



تیرنگ | Tirang
مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)
آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

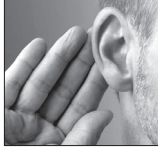
☎ ۰۹۱۱۳۶۸۳۳۵۷ | @ Tirang.Studio | 📧 ۰۹۳۶۹۵۹۶۲۰۳ | 🌐 tirang.advertising@gmail.com

کشف ۱۲ تن
مرغ فاقد مجوز



۲

ناشنوایی
امیدوار به حمایت



۳

ضرورت ایجاد سامانه
بیکار چه صدور مجوزها



۳

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

چهارشنبه ۲۰ مهر ماه ۱۴۰۱ / سال بیست و چهارم / شماره ۲۲۷۶ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان

یادداشت اول

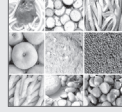
منظومه فکری لسان الغیب

■ با مسولیت سردبیر

بیستم مهر ماه در تقویم زبان فارسی، روز بزرگداشت متفکر و شاعر بزرگ ایران زمین جناب حافظ شیرازی است. واقعیت آن است که ما ایرانیان معاصر، ظلم های بسیاری را به خود و گذشتگان روا داشته ایم و یکی از آن کم لطفی ها به بزرگانی مانند حافظ، سعدی، مولانا، فردوسی و خیام، خلاصه کردن آنها در شاعری است، در حالی که آثار آنها مملو از اندیشه هایی مبتنی بر تفکر انتقادی است و انتخاب شعر یا نثر برای تبیین آن اندیشه ها نیز نشانه تیز هوشی آنها و فقدان انواع هنری در آن روزگار بوده است. برای نمونه، فردوسی بزرگ بخاطر حفظ زبان فارسی تمام عمر و هستی خود را گذاشت و زبان فارسی را برداشت. او به مثابه یک متفکر، خطر پیش روی فرهنگ ایرانی را درک کرده بود و تلاش کرد در برابر این انحطاط بایستد و از قضا سر بلند نیز بر آمده است. بنابراین تقلیل او به یک شاعر، قطعاً جفای عمیق ایران زمین فرهنگی است. همین مساله نیز درباره متفکر و شاعر بزرگ قرن هشتم، جناب حافظ شیرازی که امروز روز بزرگداشت اوست صادق است. حافظ نیز به مثابه یک متفکر، دقیقاً مشکلات جامعه خود را شناخته بود و به زیباترین زبان با نقد آموزه های اشتباه، راه درست را به مردم یاد آوری می کند. این متفکر بزرگ درباره دین داری، شریعت، اخلاق، ادب، انسانیت و دیدگاههای خود را تشریح کرده است و همگان را به گذر از تعصب و خودخواهی ها و مردم داری و دوری از آزار دیگران دعوت کرده است. از نظر او گناه، تنها در آزار دیگران است، وقتی می فرماید: مباحث در پی آزار و هر چه خواهی کن که در شریعت ما غیر این گناهی نیست و یاد بیتی دیگر کم آزاری رارستگاری جاوید می داند و می فرماید:

دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ که رستگاری جاوید در کم آزاریست یکی دیگر از نقدهای جدی او به کسانی است که بازهد ریایی...

زیرساخت مهم ترین
چالش در توسعه صنعتی



الگوی کشت ضامن
امنیت غذایی کشور



ادبیات کودک و نوجوان

بازار های

بجای رونق هفتگی



پا شکسته خودم را معرفی می کنم که خبرنگارم و گلشن مهری ام. روزنامه را که نمی شناسد و طبیعی است. کنارش روی یک کارتن می نشینم. دختر بچه مترجم اسمش ساریانست. می پرسم که معنی اسمش را می داند؟ سری به علامت منفی تکان می دهد. می گویم از مادر بزرگت پرس که با من مصاحبه می کند یا نه؟ می پرسد و مادر بزرگ محترم پاسخ می دهد که صبرکنم تا پسر یا عروسش بیایند. گفتم: سوالات من سخت نیست، فقط می خواهم کمی حرف بزینم همین. همراهش فلاسکی آبی رنگ دارد و دو لیوان. لیوان را می شوید و چای تعارف می کند. راستش دلم چای می خواست، اصلاً من به این چای سیاه ارادت و علاقه ویژه دارم هر جا باشم و در هر موقعیتی در بین نوشیدنی ها ترجیح چای است. حالا فرق نمی کند هوا گرم باشد یا سرد. چای را با ولع می نوشم. به گمانم بادیان هم دارد. طعم بی نظیر بادیان مرا یاد مادر بزرگم انداخت. روحش شاد، همیشه چای اش این طعم را داشت. از حال و روزش و کسب و کارش می پرسم...

ادامه در صفحه ۲

لیلی معتمد_بازارهای هفتگی را دوست دارم. شلوغی و تنوع اجناس برایم جذاب است. یکشنبه بازار هفتگی انبارالوم را نه اینکه انتخاب کرده باشم، همین طور گذری بعد از اتمام کارم چشمم به راسته ی فروشندگانی افتاد که کنار خیابان بساط کرده اند. اغلب فروشندگان این بازارها، کشاورزان محلی هستند که محصولات خودشان را برای فروش آورده اند. اگر چه دلال و خرده فروش در این بازار بیشتر به چشم می خورد، غرفه ای به آن صورت نیست و اکثراً سازه های ساده و سبک و غیر قابل اطمینان برای غرفه های عرضه ی کالا بنا کرده اند که البته زیبا به نظر نمی رسد. غرفه های دست ساز فروشندگان، نمای ناهمگونی به این بازار داده است. شهرداری می تواند با طراحی و اجرای یک معماری زیبا و ایجاد غرفه هایی همگون، ساده و سبک، شرایط بهتری برای بازار فراهم کند. بماند که در روزهای بارانی تقریباً بازار تعطیل است، چون غرفه ها برای روزهای بارانی هیچ پوششی ندارند. انبارالوم از توابع شهرستان آق قلا در استان گلستان و مرکز بخش وشمگیر است. مردمان اینجا اکثراً ترکمن هستند. آرام، صبور، نجیب و البته به وضوح محروم. پیرزنی ترکمن با چارقد قهوه ای رنگ همراه دختر بچه ی هفت-هشت ساله ای که احتمالاً نوه اش باشد، روی یک صندلی پلاستیکی

قرمز رنگ نشسته است. چند مرغ محلی و اردک در جعبه ای چوبی کنارش دارد. نزدیک می شوم و سلام و خسته نباشید، گویا خیلی فارسی نمی داند. دست و

ادامه تیر اول

خوانده. کرونا که آمد، پدرش گفته دیگر بس است هر چه خوانده ای همین قدر که بتوانی حساب و کتاب کنی کافی است. می پرسم: پسرهای زمان ما اغلب در آرزوی پزشکی و مهندسی و خلبانی بودند در این سن و سال، تو دلت نمی خواست درس بخوانی؟ گفت: چرا دلم می خواست اما چاره ای نبود. خرج مدرسه رانداشتیم. پرسیدم: هر هفته بازار می آیی و اینجا غرفه ثابت داری؟ گفت: نه ما حیاط زمین همسایه را اجاره کرده ایم. آنجا پدر و مادر و خواهرم سبزی می کارند و من در بازار می فروشم. اگر فروش نرود، سبزی ها خراب می شود و آن وقت ضرر می کنیم. روبروی پسر سبزی فروش یک آقای حدودا چهل ساله لباس زنانه و بیچگانه می فروشد. از حرفهایش برمی آید که تا حدودی از فروش امروزش راضی بوده، البته می گوید: این روزها مردم تا مجبور نباشند برای پوشاک هزینه نمی کنند. صدای دست فروشی که تشری انار و رب گوجه فرنگی می فروشد از همه بلندتر است. مردم بی اعتنا از کنارش رد می شوند. جایی خوانده بودم که در این منطقه، پنبه زیاد کشت می شد. اگر هنوز طلای سفید در اینجا رونق داشت، اینها که در گوشه و کنار بازار هفتگی مشغول تلاش برای کسب معاش اند در کارخانه های پنبه پاک کنی مشغول کار می بودند. کشاورزان منطقه هم از آنجا که از بابت تامین آب در مضیقه اند اغلب دیگر کشت و کار نمی کنند. زمین ها خرد شده و کشاورزی مکانیزه در جریان نیست. اینها را دستفروشی می گوید که کدو و بادمجان می فروشد. سالهای قبل گندم و جو می کاشته، حالا زمینش آب ندارد و بایر افتاده. زمین دیگری اجاره

کرده و صیفی جات می کارد و می فروشد. در ابتدا بازارهای هفتگی برای پاسخگویی به نیاز سکونتگاه های شهری و روستایی و با هدف مبادله کالا اعم از تولیدات مازاد بر مصرف و تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز برپا شد و موجب تقویت اقتصاد جامعه روستایی و بهبود روابط مناطق روستایی با شهر و مناطق روستایی شد. امروز به دلایل متعددی رونق این بازارها کم شده است. رونق بازارچه های محلی قطعاً می تواند به اقتصاد و بهبود معیشت روستائینان کمک کند.

در سال های اخیر، به ویژه در بازارهای قدیمی مثل بندر ترکمن و آق قلا و به طور کلی مناطق ترکمن نشین، میزان عرضه محصولات روستایی از قبیل تولیدات کشاورزی، دامی و صنایع دستی کاهش یافته و فروش تولیدات شهری افزایش پیدا کرده است. یکی از مهم ترین مزیت های برپا شدن بازارچه های هفتگی و محلی، کاهش هزینه های رفت و آمد خریداران روستایی است. عرضه غیر بهداشتی برخی مواد غذایی و بهداشتی و نبود نظارت کافی بر این امر نیز، سلامت شهروندان را به خطر می اندازد. در این بازار، نبود نظارت بهداشتی به برخی اقلام غذایی به وضوح مشهود بود. وجود مگس های فراوان بر روی پیراشکی های باز روی گاری یک پیرمرد روستایی و خریدارانی که بی توجه به خیل مگس ها، همچنان اصرار بر خرید پیراشکی داشتند، نشان می داد که توجهی نه از سوی فروشندگان و نه از سوی خریداران وجود ندارد. فروشندگان بازار محلی انبارالوم می گویند: از مهم ترین مشکل ما و به طور کلی بازارچه های محلی، مشکلات محیطی از قبیل وجود

زیاله های انبوه و جمع آوری نکردن آن، نداشتن سرویس های بهداشتی، نبود فضاهایی برای استراحت و نمازخانه است. دومین مشکل این بازارها، بی نظمی استقرار فروشندگان است. ترافیک زیاد در این بازارها به سبب کاربری های مسکونی اطراف بازار و همچنین رفت و آمد وسایل نقلیه از وسط بازار هم از مشکلات این بازارچه هاست؛ بنابراین، ضرورت دارد که این بازارها در مکان های دور از رفت و آمد وسایل نقلیه مکان یابی و مستقر شوند. انتخاب مکان مناسب بازارهای هفتگی در بافت روستا، یکی از مسایلی است که باید در برنامه ریزی روستا به آن توجه شود تا ضمن سهولت دسترسی مراجعان به این بازارها، مسایل زیست محیطی نیز رعایت شود. بازارهای محلی از دیر باز نقش بسیار مهمی در اقتصاد منطقه داشته اند، به طوری که مثلاً در قرق که از مدت ها پیش دوشنبه بازار برقرار بوده است، خیلی از افراد روز دوشنبه را به نام روز بازار می شناختند و در انتظار این روز بودند تا با رفتن به بازار، مایحتاج خود را با قیمتی مناسب تهیه کنند. بنابراین توجه به این بازارها و بررسی و حل مشکلات فروشندگان و البته خریداران، مساله ای است که نباید از نظر مسولان دور بماند. یکی از بزرگ ترین امتیازات بازارهای هفتگی، متعادل نگه داشتن بهای کالاها و جلوگیری از افزایش نامتناسب قیمت هاست. با برطرف کردن مشکلات این بازارها می توان به بهبود روابط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی روستائیان و شهرنشینان نیز امید داشت. به علاوه اینکه بازارهای هفتگی می تواند از جمله جاذبه های توریستی برای استان گلستان باشد.

ادامه یادداشت اول

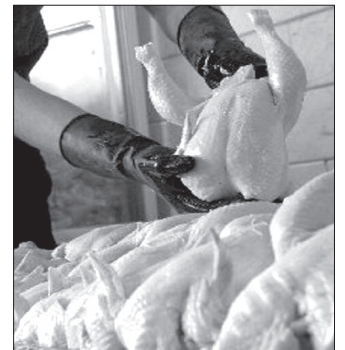
منظومه فکری
لسان الغیب

از دین دکانی برای منفعت خود ساخته اند و می فرمایند:

حافظ می خور و رندی کن و خوش باش ولی دام تزویر نکن چون دگران قرآن را منظومه فکری جناب حافظ منسجم و یکپارچه است و لازم است از این منظر نیز به این اندیشه ها توجه جدی تر بشود و این مسوولیت ما ایرانیان را در حفظ، تبیین و گسترش این اندیشه ها بیشتر می کند و کلام آخر، راهبرد مدنی حافظ برای زندگی در تمام اعصار است که فرمود:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت، با دشمنان مدارا مروت و مدارا امروز نیز لازمه زندگی در دنیای مدرن است. پس اهل مروت و مدارا باشیم.

خبر

کشف ۱۲ تن
مرغ فاقد مجوز

فرمانده انتظامی شهرستان بندرگز از کشف بیش از ۱۲ تن محموله مرغ غیرمجاز در این شهرستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، سرهنگ مهدی مهدوی نیا اظهار داشت: در راستای اجرای طرح های پیشگیری از حمل کالاهای قاچاق و فاقد مجوز، طرح کنترل محورهای مواصلاتی شهرستان بندرگز به منظور مقابله با ورود و خروج کالای فاقد مجوز و قاچاق به صورت مستمر در دستور کار پلیس قرار دارد. وی افزود: ماموران انتظامی یگان امداد این شهرستان با استقرار در محور پلیس راه نوکنده در محور خروجی استان به چهار دستگاه خودروی حمل مرغ، مشکوک و آنان را متوقف کردند. فرمانده انتظامی بندرگز تصریح کرد: ماموران در بازرسی از خودروهای مورد نظر، ۵ هزار و ۸۹۲ قطعه مرغ زنده فاقد مجوز به میزان ۱۲ تن کشف کردند. این مقام انتظامی با بیان اینکه اقدامات قانونی در این خصوص صورت گرفته است، گفت: کارشناسان، ارزش این کشفیات را بیش از ۵ میلیارد ریال برآورد کردند. سرهنگ مهدوی نیا خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه دام و طیور قابلیت انتقال بیماری را دارند، باید با مجوز دامپزشکی حمل شوند و در غیر این صورت جزء محموله های غیرمجاز و قاچاق محسوب می شوند.

آغاز فصل صید ماهیان استخوانی



وی در خصوص میزان صید ماهیان استخوانی استان در سال گذشته گفت: در فصل صید گذشته، ۲۵۵ تن ماهی استخوانی از آبهای استان صید شده که از این

مدیر کل شیلات گلستان گفت: فصل صید ماهیان استخوانی از ۱۷ مهرماه در آبهای استان آغاز شد و به مدت ۶ ماه ادامه خواهد داشت. به گزارش روابط عمومی، اسماعیل جباری با اعلام این خبر بیان داشت: در سال جاری ۸۱۳ صیاد در قالب ۱۸ شرکت تعاونی، به روش صید پره در سه منطقه گمیشان، خواجه نفس و میانکاله اقدام به صید ماهیان استخوانی خواهند کرد. وی تصریح کرد: ساعت پره کشی روزانه از طلوع آفتاب تا ساعت ۲۳ خواهد بود و تعداد شناورهای فعال در خطه ساحلی استان نیز ۱۲۰ فروند می باشد. وی در خصوص گونه های هدف صید ماهیان استخوانی استان گفت: گونه های هدف صید در حال حاضر عمدتاً شامل گونه های سفید، کفال، کپور می باشد.

میزان ۱۷۵ تن ماهی کفال، ۵۵ تن ماهی سفید، ۲۰ تن ماهی کپور و ۵ تن سایر گونه ها بوده است. جباری در پایان گفت: پیش بینی می شود امسال نیز حدود ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ تن ماهی استخوانی از آبهای استان صید شود. همچنین یحیایی، معاون صید و بنادر ماهیگیری شیلات استان با اشاره به مقرراتی که در زمان صید باید از سوی صیادان استان رعایت گردد، خاطر نشان کرد: رعایت اندازه استاندارد تور پره برابر استاندارد اعلامی از سوی معاونت صید و بنادر ماهیگیری سازمان شیلات ایران، عدم همکاری با صیادان غیر مجاز، رعایت استانداردهای صید و صیادی و رهاسازی ماهیان ممنوع الصید و غیر استاندارد، از جمله مسائلی است که صیادان استان باید در زمان صید مدنظر قرار دهند.

درس و معلم نداریم اما باید از هم اکنون برای تامین فضاهای آموزشی و تجهیزات مورد نیاز در سال های آینده استین همت را بالا بزنیم. وی همچنین گفت: اهتمام به اجرای کامل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در دستور کار دولت، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل و آموزش و پرورش گنبد کاووس قرار دارد و در همین رابطه قرارگاه اجرایی این سند در شهرستان تشکیل شده است.

شود. وی جمعیت دانش آموزی سال تحصیلی جدید گنبد کاووس را حدود ۹۶ هزار نفر از پیش دبستانی تا متوسطه دوره دوم اعلام کرد و افزود: این تعداد دانش آموز در ۵۷۰ آموزشگاه واقع در مناطق شهری و روستایی این شهرستان مشغول تحصیل هستند. ظفر اضافه کرد: با برنامه ریزی ها و اقدامات انجام شده در قالب پروژه مهر، در سال تحصیلی جاری مشکل خاصی در بحث کمبود کلاس

و استانی، نیکوکاران، خیرین مدرسه ساز و رسانه ها خواست با نگاه ویژه و مشارکت و همراهی یکدیگر به رفع این معضل کمک کنند. به گزارش روابط عمومی، عبدالقادر ظفر گفت: سالانه بین ۲ تا ۴ هزار نفر به جمعیت دانش آموزی این شهرستان اضافه می شود که باید فضای آموزشی و تجهیزات لازم شامل میز، نیمکت و صندلی برای آنها به خصوص در محلات شهری تامین

گنبد کاووس نیازمند تامین
فضای آموزشی مناسب

مدیر آموزش و پرورش گنبد کاووس از کمبود فضای آموزشی در برخی نقاط این شهر خبر داد و از مسولان کشوری

ناشنوایان امیدوار به حمایت

ناشنوایی یکی از انواع معلولیت‌ها است که به اعتقاد کارشناسان، حمایت مادی و معنوی بیشتر دستگاه‌های متولی و خدماتی می‌تواند افراد مبتلا به این معلولیت را در مسیر زندگی عادی و بروز استعدادها قرار دهد. به گزارش ایرنا، معلولیت محدودیت نیست، یکی از شعارهای همیشگی پوسترهای تبلیغاتی محسوب می‌شود اما تحقق این شعار و اینکه این قشر احساس کنند همانند انسان‌های عادی می‌توانند زندگی کنند، نیازمند حمایت دستگاه‌های اجرایی برای پرداخت تسهیلات ارزان قیمت ساخت مسکن، ایجاد اشتغال و یا افزایش میزان مستمری است. ناتوانی کامل یا جزئی در شنیدن صداها را اختلال شنوایی (ناشنوایی یا کم شنوایی) می‌نامند و میزان این اختلال ممکن است ملایم، متوسط، شدید یا عمیق باشد. فرد مبتلا به کم شنوایی ملایم در درک گفتار مشکلات دارد، به ویژه اگر صداهای زیادی در اطراف وجود داشته باشد و افراد دارای کم شنوایی متوسط، برای درک گفتار، نیاز به سمعک دارند و افراد مبتلا به کم شنوایی شدید تا عمیق هم برای برقراری ارتباط با دیگران از سمعک و لب‌خوانی کمک می‌گیرند. اختلال شنوایی، یکی از مباحث مطرح در علوم تربیتی به معنای محرومیت از حس شنوایی است که به تبع آن بروز اختلال در تکلم، تفکر، یادگیری و ارتباطات اجتماعی را ایجاد می‌کند و فردی که قادر به شنیدن صداهای اطراف نیست به نسبت انسان‌های دیگر شرایط سخت‌تری در درک موقعیت دارد و این مساله در صورت فراهم نشدن شرایط برای زندگی مانند انسان‌های عادی به مرور باعث انزوای افراد با این مشکل می‌شود. اکنون در سازمان بهزیستی کشور بیش از ۲۲۲ هزار فرد دارای معلولیت ناشنوایی تحت پوشش هستند که ۱۲.۷ درصد از کل معلولان تحت پوشش بهزیستی را تشکیل می‌دهند که دارای معلولیت خفیف، متوسط، شدید و خیلی شدید هستند.

سکونت بیش از ۸ هزار ناشنوا و کم شنوا در گلستان

استان گلستان افزون بر ۵۴ هزار معلول دارد که بیش از ۸ هزار نفر آنان درگیر مشکلات ناشنوایی و کم شنوایی هستند و تلاش می‌کنند مانند انسان‌های سالم زندگی کنند و حل مشکلاتشان در بحث برقراری ارتباط و راه‌اندازی فعالیت اقتصادی با پرداخت تسهیلات ارزان قیمت و یا قرض الحسنه در کنار کاهش مدت تحویل سمعک و افزایش مبلغ مستمری می‌تواند شرایط را برای آنان بهبود ببخشد. بایرام نفس قلر عطا ساکن گنبدکاووس که همسر و ۲ فرزندش دارای معلولیت ناشنوایی هستند بیان کرد: از ۶ فرزندم، یک پسر و یک دخترم ناشنوا هستند و به دلیل زندگی در روستا و نبود امکانات کافی، تحصیل نکرده‌اند و خودم در بیشتر مواقع از آنان حمایت می‌کنم. وی افزود: پسر که اکنون ۲۹ ساله است با یک خانم ناشنوا ازدواج کرده و خدا را شکر دارای یک فرزند سالم است و تمام تلاش خود را برای بهبود شرایط زندگی‌اش دارم.



افزایش مستمری مهمترین خواسته ناشنوایان

وی ادامه داد: مستمری ماهانه ۴۲۰ هزار تومانی برای پسرم جوابگوی هزینه‌های بالای زندگی نیست، لذا با توجه به علاقه پسرم به کارهای فنی مانند لوله کشی، یک مغازه برایش در روستای خودمان ملک علی تپه راه انداختم تا کمک هزینه زندگی‌اش باشد. قلر عطا با بیان اینکه پسرش به دلیل ناتوانی در خرید مسکن از مسوولان خواست، برای حمایت از افرادی مانند پسرش، تسهیلات ارزان قیمت برای ساخت مسکن و خرید تجهیزات فنی مورد نیاز پرداخت کنند. آبی بی‌آتش افروز همسر حمزه آخوندپور ۳۳ ساله با مشکل ناشنوایی که در ساخت پرده و کتیبه فعالیت

گلستان ۸ هزار و ۴۲۲ ناشنوا و کم شنوا دارد که بیش از ۶ هزار نفر از آنان در گروه سنی ۱۸ تا ۶۵ سال زندگی می‌کنند

درد هم گفت: همسرمان تمام انسان‌های سالم برای تامین هزینه‌های زندگی تلاش می‌کند اما نداشتن امکان برقراری ارتباط در محیط خارج از خانه در برخی مواقع باعث انزوای وی می‌شود و من با داشتن سه فرزند کوچک مجبور به انجام کارهای اداری هستم. وی با ابراز خوشحالی از سالم بودن هر سه فرزندش، افزود: حمزه که در اوایل ازدواج به عنوان شاگرد در کارگاه ساخت پرده و کتیبه فعالیت داشت از چهار سال قبل یک مغازه همراه با کارگاه برای خودمان در روستای آق آباد گنبدکاووس راه انداخت و تاجایی که نگهداری از فرزندانم اجازه دهد با به پای همسرم فعالیت می‌کنم. وی گفت: مکان مغازه و کارگاه فعلی اجاره‌ای است و از آن طرف مستمری ماهانه پرداختی، جوابگوی خرج و مخارج زندگی امروز نیست و در صورت حمایت بهزیستی برای پرداخت تسهیلات قرض الحسنه و یا ارزان قیمت، می‌توانم فضای مناسبی را برای کارگاه بسازیم و در آینده کار خود را توسعه دهیم. عضو کانون ناشنوایان گنبدکاووس هم بیان کرد: حدود ۵۰۰ ناشنوا از گروه سنی ۲ سال به بالا در این شهرستان تحت پوشش بهزیستی قرار دارند و خدمات

لزوم استفاده از زبان اشاره در پخش برنامه‌های تلویزیونی وی افزود: همچنین در پخش بیشتر برنامه‌های صدا و سیما و شبکه‌های خانگی به ناشنوایان توجه نشده و در

برخی مواقع هم پخش فیلم و یا برنامه خاص با زیرنویس است که ناشنوایان به دلیل تفاوت در نوع نوشتن در خواندن زیرنویس دچار مشکل می‌شوند. وی ادامه داد: در گذشته برخی اخبار با زبان اشاره پخش می‌شد و درخواست می‌شود برای استفاده ناشنوایان از برنامه‌های صدا و سیما به مانند انسان‌ها عادی استفاده از زبان اشاره در دستور کار قرار گیرد.

۱۸ تا ۶۵ سال بیشترین گروه سنی ناشنوایان

معاون توانبخشی اداره کل بهزیستی گلستان بیان کرد: این استان ۸ هزار و ۴۲۲ ناشنوا و کم شنوا دارد که بیش از ۶ هزار نفر از آنان در گروه سنی ۱۸ تا ۶۵ سال زندگی می‌کنند. محمود امانیان، برقراری ارتباط و درس خواندن را مهمترین مشکلات ناشنوایان گلستان دانست و گفت: با توجه به کمبود نیروی آموزش دیده زبان اشاره در دستگاه‌های مرتبط با آموزش نیروی رابط ناشنوا جهت تسهیل کار این افراد، امسال بهزیستی استان برای ۵۰ نفر دوره آموزش زبان اشاره مقدماتی را برگزار کرد و در حال پیگیری و برنامه‌ریزی برای برگزاری سطوح میانی و تکمیلی است. وی افزود: کودکان در مراکز توانبخشی بهزیستی آموزش می‌بینند و در مدارس عادی وارد می‌شوند، اما به علت کمبود مربیان رابط و ازدحام کلاس‌های درس به سمت حضور در مدارس غیرانتفاعی و پرداخت هزینه‌های گزاف سوق می‌یابند. معاون توانبخشی اداره کل بهزیستی گلستان، پرداخت کمک هزینه تحصیلی دانش آموزی و کمک هزینه شهری به دانشجویی، خدمات توانبخشی و آموزشی در مراکز روزانه آموزشی توانبخشی به کودکان کم شنوا از بدو تولد تا ۱۵ سالگی و انجمن‌های ناشنوایان، پرداخت کمک هزینه کاشت حلزون و تعمیر قطعات، خرید وسایل کمک توانبخشی از جمله سمعک و باتری و تحویل به افراد برحسب اولویت‌ها، ارائه خدمات توانبخشی گفتار درمانی و شنوایی سنجی در کلینیک‌های توانبخشی دولتی و غیردولتی سطح استان و دریافت مستمری را از جمله خدمات بهزیستی به افراد کم شنوا و ناشنوای استان برشمرد. امانیان همچنین در رابطه با وضعیت مستمری افراد کم شنوا و ناشنوا گلستان بیان کرد: پنج هزار و ۲۷۳ نفر از افراد کم شنوا و ناشنوایان استان مستمری دریافت می‌کنند و مبلغ مستمری ماهانه پرداختی با توجه به بعد خانوار برای خانواده یک نفره ۴۲۰ هزار تومان، خانواده ۲ نفره ۶۰۰ هزار تومان، سه نفره ۸۴۰ هزار تومان، خانواده چهار نفره یک میلیون و ۸۰ هزار تومان و خانوار پنج نفره مبلغ یک میلیون و ۳۲۰ هزار تومان است. وی افزود: در آزمون‌های استخدامی سال ۱۴۰۰، تعداد ۱۲ نفر از افراد کم شنوا استان گلستان از سهمیه استخدامی سه درصد معلولان استفاده کردند.

ضرورت ایجاد سامانه یکپارچه صدور مجوزها



استاندار گلستان بر طراحی یک سامانه یکپارچه برای صدور مجوزها تأکید و اظهار کرد: همه دستگاه‌های عضو کارگروه باید ظرف دو هفته، بر اساس پهنه‌بندی ساختاری و سند آمایش و اسناد بخشی، برای طرح‌های سرمایه‌گذاری در استان، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های خود را اعلام نمایند. به گزارش روابط عمومی، علی محمد زنگانه در کارگروه امور زیربنایی، توسعه روستایی، عشایری و شهری و آمایش سرزمین و محیط زیست استان، خاطر نشان کرد: باید نگاه تحولی به موضوعات مطروحه داشته باشیم. وی با بیان اینکه اصلاح روش‌ها و فرآیندها در همه کارگروه‌ها ضروری است، تأکید کرد: باید نهضت بهبود فرآیند در استان راه‌اندازی کنیم تا بهترین نتیجه حاصل شود. زنگانه خاطر نشان کرد: برای تحقق چشم‌انداز افزایش درآمد سرانه خانوار استان، باید روش‌هایی اتخاذ شود که بیشترین ارزش افزوده را داشته باشد و سرمایه‌های استان هدر نرود. وی افزود: باید به صورت دقیق مشخص شود که در کدام زمینه، استان به حد اشباع رسیده و در صورت صدور مجوز، ارزش افزوده مورد نظر حاصل نمی‌شود و در عوض در کدام زمینه‌ها نیازمند فعالیت هستیم تا سرمایه‌گذاران و متقاضیان به آن سمت هدایت شوند. استاندار گلستان تصریح کرد: علاوه بر اینکه کلیه درخواست‌ها باید با قوانین و مقررات، سند آمایش و ... تطبیق داده شوند، باید نظارت دقیق بر مجوزهای صادر شده صورت گیرد. وی خاطر نشان کرد: زمان دار نمودن مصوبات و همچنین الزام به ارائه برنامه زمانبندی توسط متقاضی مجوز نیز در ساماندهی مجوزهای صادر شده تأثیر گذار است که باید رعایت شود.

واریز ۵۰۰ میلیارد ریال به دهیاری‌ها

مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان گفت: از ابتدای سال تاکنون از محل مالیات بر ارزش افزوده ۵۰۰ میلیارد ریال به حساب دهیاری‌های استان واریز شده است. به گزارش مهر، سید کمال محب حسینی اظهار کرد: تلاش‌های کارکنان امور مالیاتی در راستای افزایش اعتبارات دهیاری‌های استان، نقش بسزایی را در زمینه عمران و آبادانی روستاها و خدمات رسانی مطلوب به مردم روستاهای این استان دارد. مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان افزود: رقم واریزی از محل قانون مالیات بر ارزش افزوده به حساب دهیاری‌های استان تا پایان مهرماه از مرز ۵۰۰ میلیارد ریال فراتر می‌رود. وی بیان کرد: دهیاران باید مبالغ فوق‌الذکر را در چارچوب آیین‌نامه مالی دهیاری‌ها، بخشنامه بودجه ۱۴۰۱ و بودجه مصوب با رعایت ضوابط و مقررات قانونی هزینه کنند.

شعر



■ ترانه محمدی

یک خط نازک، صاف و عمودی
از نوک قاشق، تا روی نانم
می ریخت اما، ایستاده آنجا
با مزه ای خوش، توی دهانم
با قاشق من، بالا و پایین
قد می کشید و کوتاه می شد
عمر کمی داشت، باریک و باریک
یا تکه تکه در راه می شد
رنگش طلایی، خوشبو، مقوی
هم خوب و شیرین، هم بود دلچسب
خیلی عجیب است، هم آن روان بود
هم مثل یک چسب، چسبیده بر دست
خوب است آن را، وقتی که خوردم،
محکم نجسید، روی زبانم
اسمش (عسل) است، من دوست دارم
خوردم و گفتم: هووم، نوش جانم



■ آرمیتازار

یکی بود، یکی نبود. دختری به نام پریا بود که یک خرس
مهربان داشت. آن خرس هر روز به پریا کمک می کرد و به
پریا می گفت که نماز بخواند، به نیازمندان کمک کند، با ادب
و مهربان باشد و به موقع بلند شود. اما پریا به حرف او گوش
نمی کرد و قدر خرسش را نمی دانست. روزی رسید که
خداوند خرسی پریا را گم کرد و پریا خیلی ناراحت شد و از
خدا خواهش کرد خرسی او را برگرداند. در همان لحظه انگار
صدایی از سوی خدا به پریا گفت: پریا من می دانم خرسی
تو کجا هست! آیا عروسکت را می خواهی؟ پریا جواب داد:
«بله». و صدا گفت: اما یک شرط دارم اگه تو قول دهی نمازت
را بخوانی، به موقع بلند شوی، با ادب و مهربان باشی و به
نیازمندان کمک کنی؛ عروسکت را برمی گردانم. پریا قبول کرد.
روزی رسید که پریا نابینایی را دید که دارد ماشینی به او می
خورد. او رفت و آن را نجات داد. روز بعد به نیازمندان کمک
کرد و دیگر به موقع بیدار می شد و به مادرش کمک می کرد.
خداوند هم از آن بالا دید که پریا به قولش عمل کرده، او هم
تصمیم گرفت تا عروسک پریا را به آن پس بدهد. فردای آن
صبح، فردی در خانه را زد! آن فرد، دوست پریا بود. دوست
پریا عروسکی را به پریا داد که آن عروسک خرسی بود. پریا
خیلی خوشحال شد و از خداوند تشکر کرد و او یاد گرفت که
از این به بعد کارهای خوبی انجام دهد.



■ پارمیس پاکزاد

تو پارک قدم می زدم، آهسته گل می چیدم
روی یکی از گلا، من به پروانه دیدم
خیلی قشنگ و ناز بود، پر می زد با خوشحالی
یکدفعه به سرم زد، فکری به ظاهر عالی
پروانه رو گرفتم، گذاشتم توی شیشه
چند تا سوراخ روش زدم، تا که نفس بکشه
خیلی دوست داشتم و، خوب بهش می رسیدم
ولی تو اون من انگار، غم و غصه می دیدم
(چرا غصه و غم داشت؟ اون شاپرک چی کم داشت؟)
اونو گذاشتم بوم، کنار تخت خوابم
تا این که اون شاپرک، یک شب اومد به خوابم
توی خوابم پروانه، نشست روی دستم
گفت: از این شیشه تنگ، من دیدگه خیلی خستم
داخل این شیشه من، خیلی تحت فشارم
وقتی اومدم اینجا، من آرامش ندارم
پر پر می زدم این تو، همش همینه کارم
کاشکی که هیچ وقت کسی، آه، نمی کرد شکارم...
وسط حرفای اون، یهو از خواب پریدم
شیشه ی پروانه رو، کنار تختم دیدم
گفتم یواش، پروانه، حیفه به این قشنگی
عزیز من، جای تو، نیست تو شیشه ی تنگی
آزاد کردم اونو، پرواز کرد با شادی
آروم آروم، آهسته، رفت به سوی آزادی



■ پرستو علاءالدین

به دیوار بازداشتگاه تکیه زده بود و فکر می کرد. مرور
می کرد. برای کار او با رفیقش به خانه ای خارج از شهر
رفتند، اما نمی دانستند پا در یک باتلاق گذاشته اند. او و
دوستش را به گناه نکرده محکوم کرده بودند. به یک قتل،
قتلی که این دو اصلا از آن خبر نداشتند. تنها جرمشان
این بود که برای در آوردن یک لقمه، به آن خانه کذایی
رفته بودند. موقع دستگیری، رفیقش او را تنها گذاشت.
فرار کرد و این او بود که دستگیر شد. در بازداشتگاه هیچ
کاری نداشت که لااقل برای ساعتی سرگرم شود. کل
روز به در و دیوار خیره می شد. یک ماه گذشت و روز
دادگاه رسید. او بدون حرف، روی صندلی نشسته بود که
با صدای در، همه سرها به آن طرف چرخید. کی را می
دید! رفیقش بودا سرباز گفت: برای شهادت دادن آمده. با
چشم، او را تا جایگاه همراهی کرد تا به حرف افتاد. آقای
قاضی، منو مهرداد فقط برای کار، اونجا رفته بودیم. قرار بود
تدارکات جشنشون رو آماده کنیم. من... من فقط دیدم که
یک مرد کچل با تفنگ یکی رو کشت. گوشه من دست
مامور اتونه، می تونین چک کنین. یک عکس گرفته بودم.
برای بررسی بیشتر، دادگاه به چند روز دیگر افتاده بود.
امیدوار بود که چیزی پیدا کنند و بی گناهی او و سهراب
ثابت شود. تو این چند روز که دادگاه عقب افتاده بود،
مهرداد فهمید که سهراب نارو زده بود. موقع دستگیری فرار
کرده بود درست، ولی فردا که می خواست خودش را
معرفی کند، تهدیدش کرده بودند. او با تغییر چهره توانسته
بود به دادگاه بیاید. این چند روز با اضطراب گذشت و
موقع دادگاه شد. دل تو دل سهراب و مهرداد نبود. با رفتن
شخصی به جایگاه، حواس ها به او جمع شد. شخص،
اعتراف کرد. اعتراف کرد و گفت که او به سهراب و مهرداد
گفت برای کار به آنجا بروند تا قتل به گردن آنها بیفتد و
خود او را هم مجبور به این کار کرده بودند. قرار شد با
کمک آن شخص، قاتل را پیدا کنند. مهرداد و سهراب هم
اتهام از روی آنها برداشته شده بود و از بازداشتگاه آزاد
شده بودند، اما نباید از محدوده شهر خارج می شدند تا
شاید موقع دادگاه به شهادت آنها نیاز باشد.



■ شمیم شاه دادی

حدود یک ماه است که باغ محل زندگی مان به فردی خرافاتی
فروخته شده و آن فرد از آن روز در پی این است که ما را از این
باغ بیرون کند؛ چرا که اعتقاد دارد، جغد شوم است و بدبختی
می آورد. سالهاست که اجداد من در این باغ زندگی می کنند
و همه ما به این باغ شاداب و ساکنانش عادت کردیم و کوچ
کردن از این باغ برایمان دشوار است؛ اما چه باید کرد؟! کاری
از دستمان بر نمی آید؛ یا باید برویم، یا به دست صاحب باغ
کشته شویم. امروز جغد بزرگ، یعنی پدر بزرگ من، روی یکی
از درخت های پرپرگ باغ، جلسه ای برپا کرده تا با هم فکری
هم تصمیمی بگیریم. در این جلسه اخم های همه در هم بود،
کسی نمی دانست که چه باید بگوید؛ همه عصبانی بودند؛ ترک
کردن آن باغ که عمویم در آنجا جان داده بود و روحش در
آنجا پرسه می زد خیلی برای ما سخت بود؛ نه تنها ما، بلکه بلبل
ها و پرستوهای باغ هم از رفتن ما اندوهگین بودند، آنها تمام
تلاششان را می کردند تا ما از این باغ نرویم. تقریباً نیم ساعت
بود که جلسه در سکوت فرو رفته بود، ناگهان بلبل وارد جلسه



■ سیدامیر علی عقیلی

گرت می پرستی، نپرست
چون بت، الله نیست
گر خورشید می پرستی، نپرست!
چون الله نیست
پرستش برای همان است
همان که در دنیا تک است
همان که خورشید را آفریده!
همان که درختان را آفریده!
همان خلق کننده جهان هستی ست
همان که نامش الله است



■ دیانا یزدانی

روزی روزگاری یک ملکه و پادشاهی با هم در یک قصر
زندگی می کردند. نام ملکه، السا و نام پادشاه جک بود. آنها بعد
از چند سال بچه دار می شوند. خدا به آنها یک دختر زیبا می دهد.
نام بچه را آلیسا گذاشتند. یک شب که السا و جک به خواب
رفتند، ستاره ها آلیسا را به دیدن ماه بردند. ماه به آلیسا یک دفتر با
ارزش می دهد و در ادامه به او می گوید: تو باید این دفتر را در
سن ۱۸ سالگی به پدر و مادرش نشان دهی. وقتی آلیسا ۱۸ ساله
شد، این دفتر را به پدر و مادرش نشان داد و ماجرای آن شب
را برای مادرش توضیح داد. ناگهان چشم آلیسا به عکس درون
دفتر افتاد. از پدرش پرسید: پدر این عکس کیست؟ پدر به آلیسا
گفت: این عکس کودکی من و مادرت است. آلیسا خوشحال
شد که عکس کودکی پدر و مادرش را دید.

مان شد و آواز سر داد. آواز، همیشه به من آرامش می
دهد. خودم هم هر از گاهی آواز سر می دادم، اما پدر
بزرگم از آواز خوشش نمی آمد و همیشه می گفت:
«جغد کارش شکار است نه آواز خواندن!» پدر بزرگم
که دیگر جوش آورده بود، از بلبل دلیل این کارش
را جویا شد و بلبل گفت: «پیشنهادی دارم تا شما در
این باغ بمانید. صاحب جدید این باغ، آواز را بسیار
دوست دارد؛ ته تغاری خاندان شما هم صدای زیبا و
دلنشینی دارد و می تواند آواز بخواند تا دل صاحب
باغ را به دست آورد و شما در همین جا بمانید!» آه
تغاری خاندان، من بودم. صدای خوبی داشتم اما
مطمئن بودم که پدر بزرگم مخالفت می کند. برخلاف
باور من، جغد بزرگ پس از اندکی درنگ، قبول کرد
که من این کار را انجام دهم؛ خیلی خوشحال شدم.
موسیقی و آواز چیزی بود که همیشه به من انرژی
می داد. چند روزی بود که به جای خواب، برای
صاحب باغ و خانواده اش آواز می خواندم. دختر
صاحب باغ، خیلی مرا دوست داشت. دیروز از من
خواست که بر روی انگشتم بنشینم و آواز بخوانم.
او از این کار بسیار لذت برد و پدرش هم وقتی دید
که من آسبی نمی رسانم و اتفاق بدی برای دخترش
نیفتاده، خرافات را کنار گذاشت و قبول کرد که ما
در آن باغ بمانیم. کاش دیگر انسان ها هم دریابند
که جغد، شوم نیست و این تنها خرافات است که از
گذشتگان بر جای مانده است.





ادبیات کودک نوجوان



■ فاطمه زهرا قلندرایش

روزی روزگاری در جنگلی بالای درختی، زنبوری لانه داشت و با خانواده اش دنبال شهد گلهای می رفتند. از گرده گلها می خوردند و به کندو می آوردند از آن عسل درست می کردند. کمی از آنها را برای خودشان نگه می داشتند. روزی، زنبوری که خیلی ناقلا و شیطون بود و به خود زحمت نمی داد، فقط به فکر خوردن بود، دوستان و خانواده اش به دنبال شهد رفتند و این زنبور ناقلا و شکمو با خودش نقشه کشید و همراه آنها نرفت و خودش را به مریضی زد و به خودش زحمتی نداد و آنها وقتی رفتند، زنبور بلند شد و تمام عسل را خورد و همانجا خوابید. وقتی زنبورها آمدند، دیدند وای از عسل خبری نیست. به شکمو گفتند: ای زنبور شکمو چرا همه عسل ها را خورده ای؟ تو که مریض بودی! زنبوری کمی با خودش فکر کرد و گفت: ببخشید، حالم بده! حالم بده! من بخاطر این که خوب شوم، عسل را خوردم. زنبورها او را بخشیدند که دیگر از این کارها نکند!



■ سحر حسن زاده نوری

امروز تصمیم گرفتم بجای توضیح درس مطالعات درباره اینکه کلمه ی «نه» جواب نهایی نیست و زمان نه شنیدن دست از هدف هایمان برنداریم، با بچه ها صحبت کنم. باید این را بدانی وقتی پای رویاهایت وسط است، «نه» جواب قابل قبولی محسوب نمی شود. کلمه نه، دلیل تسلیم شدن و کنار کشیدن نیست و تو باید این نه را نشانه ای از یک تغییر مسیر یا مسیر فرعی در نظر بگیری. نه یعنی با احتیاط حرکت کردن، نه به شما یادآوری می کند که از سرعت خود بکاهید و جایگاه واقعی خود را پیدا کنید و با دقت ببینید. موقعیت جدیدی که در آن قرار گرفته اید، می تواند شما را برای رسیدن به مقصد نهایی تان آماده کند یا نه! در معنای دیگر می توان گفت: اگر نتوانستید از در وارد شوید از پنجره وارد شوید. اگر پنجره قفل بود؛ از مسیر دود کش استفاده کنید. نه به معنای متوقف شدن نیست، بلکه به معنای تغییر مسیر به سمت مقصد است و یا تلاش دوباره و بهتر کردن مسیر. گوش بدهید بچه ها، انسان، توقف ناپذیر است و باید برای رسیدن به خواسته هایش تلاش کند و بچنگد. اگر انسان صد بار هم نه شنید، دست از کارهایش و هدف هایش برندارد. موفقیت همراه با تلاش و کوشش صورت می گیرد حتی اگر سال ها برای آن هدف تلاش کنید و نه بشنوید. این ها نصیحت هایی خواهرا نه بود. اگر آدم های کوشا و صبور زیاد شوند، دنیا جایی بهتر خواهد شد.

حافظ بخوانیم



■ آزاده حسینی

یادداشت



سوسن

هفته ملی کودک

حال خوش کودکی رنگ خوش زندگی ای هفت سالگی!

بعد از تو هر چه رفت

در ازدحامی از جنون و جهالت رفت!

هفته ملی کودک است. هفته ای برای تمام کودکانی که گاهی قبل از هفت سالگی به درک جهان هستی رسیده اند. کودکان کار، کودکان مدرسه، کودکان کتاب، کودکانی که در نقاشی هایشان خورشید هنوز زرد است و درخشان، دریا آبی و رودخانه ها پر از ماهی های رنگارنگ، شما هم مادرانگی ها را بردارید. دنیای زیبایی تصورات خود را روی صفحه بیاورید! مداد را بردارید و خورشید بکشید و چند ماهی رنگی که در آفتاب آواز می خوانند. بعد ماجراهای آواز خواندشان را قصه کنید. گاهی قصه ها از همین رنگ های زیر آفتاب آغاز می شوند. از یکی بود زیر آفتاب و یکی نبود در سایه. قصه ای بنویسید که با نام خدای مهربان آغاز می شود و مهربانی را می اندازد در تمام دل ها؛ حتی اگر سیاه.

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند چنان نماند چنین نیز هم نخواهد ماند بیستم مهرماه روز بزرگداشت حافظ

فردوسی، بنای ماندگاری زبان پارسی را استوار ساخت و زبان امروز ما زبان حافظ و سعدی شیراز است. حافظ، زبان پارسی را به اوج رساند. همان زبان که می گوید: «که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند!» زبانی که به ارزشمندی وقت و جریان زندگی اشاره می کند و ما را به درک حقیقت فرا می خواند: «قدر وقت از نشناسد دل و کاری نکند/ بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم». می توان گفت: عشق و رندی، فراخوان شعر حافظ است. «رند» به عنوان کلیدی ترین واژه ی شعر حافظ، شخصیتی است که دروغ نمی گوید و از فریب و ریا بیزار است. «روز نخست چون دم رندی زدیم و عشق/ شرط آن بود که جز ره این شیوه نسپریم». زبان حافظ، زبان امید است. آن هنگام که در سخت ترین روزگار تاریخ زندگی می کرد برای ما سرود: «هان مشو نومید چون واقف نه ای از سر غیب/ باشد اندر پرده بازی های پنهان غم مخور». مثل همه انسان ها در روزی به دنیا آمد و نوبت ایشان در قرن هشتم بود. حافظ، نمای خشن و دردناک واقعیت را در بسته بندی های زیبای کلمات، برای ما به یادگار گذاشت. در دوران آل مظفر که امیر مبارزالدین، سر مخالفانش را با شمشیر از تن جدا می کرد و هشتصد نفر را به قتل رسانید؛ شاعر بودن و حافظ زبان پارسی ماندن، شاید کار چندان ساده ای نبود. اما حافظ برای ما و تمام نسل ها ماند. «گر باد فتنه هر دو جهان را به هم زند/ ما و چراغ چشم و ره انتظار دوست».



چی می تونستند، باشند تو آسمون. یادم اومد. از روی شوق باز هم یک چرخ و فلک دیگر زدم. اینها همان سیاره هایی بودند که خاله نرگس در موردشون برام زیاد گفته بود. فاصله ام رو نسبت به اونها کم کردم تا از فاصله کمتری آنها رو ببینم. اما یه گرمایی از جهت راست به من حمله کرد. اولین چیزی که به ذهنم خطور کرد، خورشید بود. شدت گرما خیلی زیاد بود. به هر زحمتی که بود سعی بینمش اما، اما... اون خورشید نبود. اصلا شاید هم بود؛ اما زرد نبود. شاید هم یه لباس پوشیده بود، یه لباس جدیدی که دورش رو گرفته بود. شاید خورشید به خاطر سوراخ شدن لایه اوزون عزادار بود. شاید هم هر چیز دیگه ای! در فضای خیالی آسمان و لایه لای تمام ستاره ها برایش اسم می گذاشتم. شاید کسوف! شاید لباس جدید خورشید یا شاید چادر سیاه! نمی دونم اما امیدوارم خورشید منتظر چهلم نماند و زودتر لباس سیاهش را در بیاورد. چون زمینی ها منتظرند! منتظر حال همیشگی خورشید. توی فکر و خیال محو شدم که صدایی شنیدم و حس کردم که از این خیال و رویا جدا شدم. صدای مادرم بود که می گفت عزیز دلم بیدار شو!

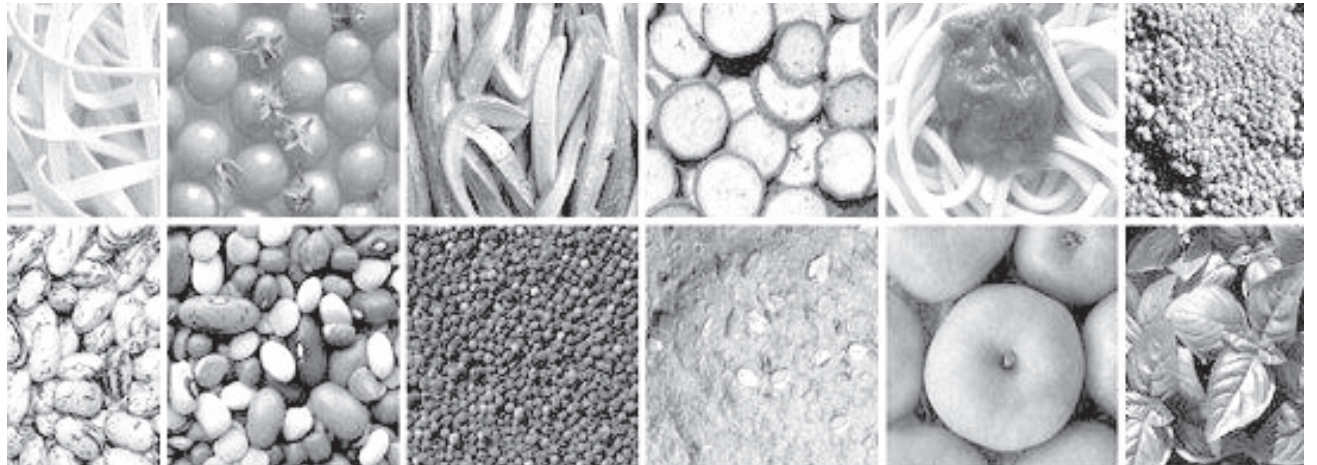


■ فاطمه اسدپور کیاسری

چشممامو باز کردم. باورم نمیشد. فقط من بودم و آسمون و لباسی که همیشه دوست داشتم توش نفس بکشم. فقط من بودم و من، بین تمام ستاره ها، دیگه چیزی از زمین معلوم نبود. دور تا دورم از آسمون بی کران پوشیده شده بود. یاد لحظه های قبل از خوابم افتادم که همیشه به آسمون نگاه می کردم و ستاره ها رو می شمردم. هیچ وقت فکر نمی کردم به این زودی رویاهایم به واقعیت تبدیل بشه. حالت عجیبی بود. آخه تا حالا حس معلق بودن رو تجربه نکردم. فقط کافی بود کمی یکی از پاهامو بالا ببرم تا بتونم تو آسمون چرخ و فلک بزنم. همه چی خیلی قشنگ بود تا اینکه توپ های بزرگ و کوچکی نظر مرا به خود جلب کردند. آنها توپک های عادی نبودند. پس



الگوی کشت ضامن امنیت غذایی کشور



خبر

اجرای هزار و ۲۵۳ طرح صنعتی با امکان ایجاد ۳۰ هزار شغل



مدیرکل صنعت، معدن و تجارت گلستان گفت: هزار و ۲۵۳ طرح صنعتی با پیش‌بینی سرمایه‌گذاری ۳۰۶ هزار و ۲۱۳ میلیارد ریال و امکان ایجاد حدود ۳۰ هزار فرصت شغلی در این استان در دست اجرا است. به گزارش ایرنا، درویش‌علی حسن‌زاده افزود: این تعداد طرح صنعتی از لحاظ گروه صنعتی، محصولات صنایع غذایی و آشامیدنی، صنایع شیمیایی و کانی غیرفلزی به ترتیب رتبه اول تا سوم را دارند. وی گفت: از این تعداد، ۱۸۳ طرح دارای بالای ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی با سرمایه‌گذاری ۴۵ هزار و ۴۳۰ میلیارد ریال و ایجاد اشتغال برای چهار هزار و ۷۲۶ نفر است. وی بیان کرد: ۳۳ طرح دارای پیشرفت فیزیکی ۴۰ تا ۶۰ درصد با سرمایه‌گذاری چهار هزار و ۴۸۵ میلیارد ریال و ایجاد اشتغال برای ۵۸۳ نفر، ۱۰۵ طرح دارای پیشرفت فیزیکی ۱۰ تا ۴۰ درصد و سرمایه‌گذاری ۱۹ هزار و ۷۶۹ میلیارد ریال با اشتغال ۳ هزار و ۳۷۵ نفر و ۹۱۲ طرح زیر ۱۰ درصد پیشرفت فیزیکی با سرمایه‌گذاری ۲۳۶ هزار و ۵۲۹ میلیارد ریال و اشتغال ۲۱ هزار و ۲۰۸ نفر وجود دارد. حسن‌زاده تاکید کرد: برنامه اصلی این اداره کل حمایت و پیگیری روند اجرا و شناسایی نیازمندی‌ها و مشکلات طرح‌های بالای ۶۰ درصد است تا هرچه سریع‌تر شرایط تکمیل و راه‌اندازی آن‌ها فراهم شود. وی گفت: گلستان ۲۳ شهرک و ناحیه صنعتی عملیاتی و درحال واگذاری زمین به همراه منطقه اقتصادی اترک با مساحت ۲ هزار و ۱۳۷ هکتار دارد و از این سطح ۸۷۵ هکتار آن دارای قابلیت ایجاد و راه‌اندازی طرح‌های صنعتی است که تاکنون ۶۴۸ هکتار آن با هزار و ۳۴۵ قرارداد به سرمایه‌گذاران واگذار شد. مدیرکل صنعت، معدن و تجارت گلستان افزود: اکنون در استان گلستان هزار و ۱۶۹ واحد صنعتی با سرمایه‌گذاری ۶۸ هزار و ۶۴۹ میلیارد و ۴۵۳ میلیون ریال و ظرفیت اشتغال برای ۲۹ هزار و ۶۲۸ نفر وجود دارد که محصولات صنایع غذایی و آشامیدنی، محصولات کانی غیرفلزی و صنایع پلاستیک و شیمیایی به ترتیب رتبه‌های اول و سوم، سرمایه‌گذاری را تشکیل می‌دهند.

از ۵۰ هزار هکتار برنج خارج از الگوی کشت در گلستان کشت می‌شود. معاون بهبود تولیدات گیاهی جهاد کشاورزی گلستان بیان کرد: در تلاش هستیم که الگوی کشت تابستانه را از محصولی مثل برنج که پرآب طلب است به سمت محصولاتی نظیر سویا، پنبه، کنجد و آفتابگردان ببریم. عباسی گفت: با قرار دادن تعرفه بر روی محصولات پرآب طلب و حمایت از کشاورزان برای کشت محصولات جایگزین می‌توان الگوی کشت تابستانه استان را اصلاح کرد.

کشت قراردادی راهکار اصلاح الگوی کشت در کشور است

رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: در استان گلستان منابع آب و اقتصاد کشاورز بیش از عوامل دیگر در تعیین الگوی کشت مؤثر است. محمد برزعلی اضافه کرد: استفاده بهینه از منابع آب، عدم تولید بیش از نیاز بازار محصولات، افزایش راندمان مصرف آب و نهاده‌های گواهی شده در الگوی کشت بسیار مهم است. وی گفت: با توجه به مصرف آب زیاد در کشت شالی باید محصولاتی را که هم مصرف آب بسیار کمتری داشته و هم اقتصاد کشاورز را تأمین کند، جایگزین کشت برنج کرد. برزعلی افزود: کلید موفقیت در الگوی کشت، تأمین اقتصاد کشاورز است؛ به همین دلیل در مرکز تحقیقات جهاد کشاورزی در حال تحقیق بر روی دو محصول ماش و کنجد هستیم که پس از اصلاح بذر، آن را جایگزین کشت برنج به روش غرقابی کنیم زیرا این محصولات یک چهارم برنج آب نیاز دارند و درآمذایی خوبی دارند. وی تصریح کرد: با کشت قراردادی و دادن اطمینان به کشاورزان در خرید محصول می‌توانیم الگوی کشت را اصلاح کنیم. الگوی کشت، برنامه ریزی برای کشت محصولات بر حسب همه منابع موجود و به طور ویژه‌تر مقادیر آب در کشور است. حاصل بی برنامه‌گی‌ها و نداشتن الگوی کشت در کشور هدر رفت سالیانه هزاران تن محصول کشاورزان اعم از سیب زمینی، گوجه، پیاز و دیگر محصولات بوده، اتفاقی تلخ و پرتکرار که هنوز هم به طور کامل حل نشده است.

کردیم بر روی محصولات جالیزی ۱۰۰ درصد تعرفه قرار دهند تا صادرات این محصولات برای کشاورزان صرفه اقتصادی نداشته باشد زیرا با این کار آب کشور را تخلیه می‌کنند. وی درباره کشت برنج افزود: مسئله برنج با محصولات جالیزی تفاوت دارد زیرا ما واردکننده برنج هستیم و با کشت برنج آب به دیگر کشورها صادر نمی‌کنیم. ایمانی گفت: الگوی کشت بیش از همه در محصولات جالیزی اهمیت دارد زیرا هم آب زیادی مصرف می‌کند و هم با افزایش تولید، بیش از نیاز کشور تولید داریم. وی گفت: با دستورالعمل و بخش نامه نمی‌توان الگوی کشت محصولات

دارویی و سیاه دانه هستند که صرفه اقتصادی خوبی دارند ولی به دلیل فراهم نبودن بازار فروش، رغبتی برای کشت آن وجود ندارد.

ضرورت تدوین الگوی کشت برای محصولات جالیزی

دبیر خانه کشاورز هم اظهار کرد: الگوی کشت در کشور ما به درستی تعریف نشده است. ما در تولید محصولات جالیزی و صیفی‌جات دچار مشکل هستیم. یک سال آنقدر تولید این محصولات در کشور زیاد می‌شود و قیمت‌ها کاهش پیدا می‌کند که کشاورزان محصول را در زمین خود رها می‌کنند و

مریم شریفی: انتخاب الگوی کشت از اصلی‌ترین عوامل افزایش بهره‌وری تولید در کشاورزی محسوب شده و علاوه بر حفظ منابع به پایداری تولید و امنیت غذایی کشور کمک می‌کند. الگوی کشت، جانمایی صحیح تولید بر اساس پتانسیل‌های طبیعی، اصول اقتصادی و سیاست‌های استراتژیک کشور است و سه هدف فنی، اقتصادی و استراتژیک، الگوی کشت را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر بن‌مایه مفهوم الگوی کشت، دسترسی به تولید پایدار در بخش کشاورزی در ازای بهره‌برداری و بهره‌وری مناسب از منابع پایه است. کشور ما از آفتاب و خاک خوب در بخش کشاورزی بهره مند بوده ولی با توجه به خشکسالی‌های یک دهه اخیر، کاهش بارش‌ها و گرم شدن هوای زمین با مشکل جدی در تأمین آب در بخش کشاورزی مواجه هستیم. از طرفی با نبود الگوی کشت صحیح، هر ساله شاهد این هستیم که هزاران هکتار محصولات جالیزی پر آب طلب مثل سیب زمینی، پیاز، گوجه فرنگی و غیره به دلیل تولید مازاد، کاهش شدید قیمت و نبود بازار فروش به هدر می‌رود و علاوه بر هدر رفت سرمایه ملی و دسترنج کشاورزان باعث نابودی آب کشور می‌شود.

رعایت الگوی کشت در خرید تضمینی، پایداری تولید حفظ منابع آب و خاک، کاهش آلودگی زیست محیطی و تأمین منابع غذایی تأثیر گذار است

سال دیگر آنقدر قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند که مردم قدرت خرید ندارند. علی قلی ایمانی ادامه داد: ما در تولید کالاهای اساسی سرریز محصول نداریم و محصولات اساسی مثل گندم، جو، ذرت، کلزا هرچقدر که در کشور کشت شود، نیاز است، زیرا ا واردکننده این محصولات هستیم. وی اضافه کرد: ما به تدوین الگوی کشت در محصولات جالیزی نیازمندیم. به طور مثال محصول پر آب طلبی مثل هندوانه در کشور ما تولید و صادر می‌شود، به راستی با این کار ما آب کشور را به دیگر کشورها صادر می‌کنیم. ایمانی گفت: تجار از کشورهای ترکیه و عمان به شهرهای کرمان، بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان می‌آیند و با کشاورزان ما برای خرید هندوانه قرار داد می‌بندند و این در حالی است که این شهرها به شدت با مشکل کم آبی و خشکسالی دست و پنجه نرم می‌کنند. دبیر خانه کشاورز تصریح کرد: در جلسه‌ای که با وزیر کشاورزی داشتیم پیشنهاد

کشت بر پایه درآمد محصول! یکی از کشاورزان روستای نوده ملک گرگان، گفت: مهم‌ترین موضوع در انتخاب کشت محصولات برای ما کشاورزان، جنبه اقتصادی آن است. ما به دنبال کشت محصولی هستیم که درآمد بیشتری داشته باشد تا بتوانیم معیشت خانواده خود را تأمین کنیم. محمدرضا قربانی ادامه داد: در حال حاضر کشت هیچ محصولی مانند برنج برای کشاورزان صرفه اقتصادی ندارد، اگر آب کافی داشته باشیم هیچ محصولی به جز برنج کشت نمی‌کنیم. وی اضافه کرد: کشت برنج علاوه بر اینکه درآمد خوبی دارد، برای فروش محصول هم مشکلی نداریم و این موضوع هم عاملی برای تشویق کشاورزان به کشت برنج است. کشاورز گلستانی تصریح کرد: برخی محصولات کم آب بر مثل گیاهان

۹۵ درصد الگوی کشت در گلستان رعایت می‌شود

معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: الگوی کشت در استان گلستان بیش از ۹۵ درصد رعایت می‌شود. محمدرضا عباسی افزود: رعایت الگوی کشت در خرید تضمینی، پایداری تولید، حفظ منابع آب و خاک، کاهش آلودگی زیست محیطی و تأمین منابع غذایی تأثیر گذار است. وی ادامه داد: الگوی کشت پاییزه استان گلستان، محصولات مهمی نظیر گندم، کلزا و جو است که اهمیت غذایی بالایی دارد و در حال اجرا است. عباسی تصریح کرد: الگوی کشت محصولات پاییزه به خوبی در گلستان اجرا می‌شود ولی در کشت تابستانه با مشکل مواجه هستیم و بیش

گلشن

۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶



اولین شکست شهرداری گرگان رقم خورد



تیم بسکتبال شهرداری گرگان در هفته چهارم لیگ برتر بسکتبال کشور در مصاف با مهram تهران ناکام ماند. به گزارش روابط عمومی، تیم شهرداری گرگان، اگر چه میزبان این بازی بود اما به دلیل شرایط فعلی و بنا به خواسته شورای تامین استان، این بازی در تهران برگزار شد. در کوارتر اول مهram ۲۶ بر ۱۳ بر شهرداری گرگان پیش افتاد، نتیجه رقابت دو تیم در کوارتر دوم با نتیجه ۲۵ بر ۱۵ به نفع مهram پایان یافت و نیمه اول ۵۱ بر ۲۸ به نفع مهram خاتمه یافت. گرگانها اما نیمه دوم و کوارتر سوم را با قدرت شروع کردند و توانستند این کوارتر را ۲۷ بر ۲۱ از مهram ببرند. در کوارتر چهارم نیز این بازیکنان شهرداری گرگان بودند که توانستند ۲۷ بر ۲۶ از رقیب تهرانی پیشی بگیرند. نهایتاً حساس ترین بازی هفته چهارم لیگ بسکتبال کشور ۹۸ بر ۸۲ به نفع مهram تهران پایان یافت. این نخستین شکست شاگردان مهram حاتمی پس از دو پیروزی متوالی است. با این نتیجه جمع امتیازات شهرداری گرگان به عدد ۵ رسید.

روشنایی معابر و کارگاه آموزشی نصب انشعابات در این سایت آموزشی فعال شده است. وی توسعه و تعمیم آموزش های تخصصی مهارتی و شغلی و ارتقای سطح دانش و مهارت کارکنان صنعت توزیع نیروی برق، شناخت میزان توانایی کارکنان و افزایش دانش و مهارت آنها در انجام وظایف محوله، ارتقای سطح استانداردهای آموزش مهارت و ارتقای سطح علمی، افزایش بهره‌وری نیروی انسانی، شناسایی نقاط قوت و ضعف مهارت‌های کارکنان و اجرای عملی دستورالعمل‌های آموزش نیروی انسانی را از جمله اهداف سایت آموزشی های فنی و مهارتی علی آبادکتول برشمرد. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق گلستان از وجود ۸ هزار کیلومتر شبکه فشار ضعیف سیمی در استان خبر داد و بیان کرد: یکی از سیاست‌های شرکت توانیر تبدیل این شبکه‌های سیمی به شبکه‌های کابلی خودنگهدار است که در همین راستا تاکنون حدود سه هزار کیلومتر از این شبکه‌های فشار ضعیف سیمی به کابل خودنگهدار تبدیل شده‌اند. موسوی با اشاره به اینکه در سال گذشته حدود ۵۰۰ کیلومتر و امسال نیز تاکنون ۳۴۰ کیلومتر از شبکه فشار ضعیف سیمی به کابل خودنگهدار تبدیل شده است، تصریح کرد: درصدد هستیم در سال‌های آینده کل شبکه‌های فشار ضعیف سیمی به کابل خودنگهدار تبدیل شود.

ارتقای آموزش های فنی و مهارتی در کارکنان برق

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق گلستان از ارتقای سطح دانش و آموزش های فنی و مهارتی در کارکنان برق گلستان با فعالیت سایت آموزشی در علی‌آبادکتول خبر داد. به گزارش ایسنا، سید احمد موسوی با اشاره به فعالیت سایت آموزشی در علی‌آبادکتول، اظهار کرد: شرکت توزیع برق، یک شرکت خدمات‌رسان است که برای ارتقای دانش و سطح عملیاتی نیروهای شرکت برق سایت آموزشی های فنی و مهارتی در شهرستان علی‌آبادکتول از اواخر سال ۹۶ آغاز به کار کرده و در فاز نخست، ۹ کارگاه آموزش های فنی و مهارتی اعم از کارگاه آموزشی صعود و فرود و نصب یراق‌آلات، شبکه هوایی ۲۰ کیلوولت، کارگاه آموزشی فشار ضعیف، احداث شبکه کابل خودنگهدار فشار ضعیف، کابل زمینی، کارگاه آموزشی لوازم و تابلوهای اندازه‌گیری، پست هوایی فشار متوسط، کارگاه آموزشی شبکه

ماسک، توجه بیشتری به تزریق دُزهای واکسن کرونا از جمله نوبت سوم و چهارم داشته باشند. مدیر پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های مرکز بهداشت گلستان ادامه داد: بر اساس اعلام مرکز آمار ایران استان حدود یک میلیون و ۹۹۰ هزار نفر جمعیت دارد که یک میلیون و ۵۲۹ هزار نفر از آنان را افراد بالای ۱۲ سال واجد شرایط دریافت واکسن کرونا تشکیل می‌دهند. باقی‌مانده از تزریق سه میلیون و ۴۵۵ هزار و ۶۴۴ دُز واکسن کرونا در نوبت‌های اول، دوم، سوم و چهارم به مردم گلستان خبر داد و گفت: تاکنون یک میلیون و ۵۲۴ هزار و ۲۴ دُز نوبت اول واکسن کرونا برای استان گلستان تزریق شد که این عدد برای نوبت دوم یک میلیون و ۳۱۶ هزار و ۲۶۳ نفر معادل ۸۶.۱ درصد است. وی افزود: استقبال مردم گلستان برای تزریق دُز سوم واکسن کرونا به نسبت نوبت‌های اول و دوم کمتر است به طوری که تاکنون ۵۵۷ هزار و ۵۱۶ نفر معادل ۴۱.۹ درصد جمعیت بالای ۱۸ سال و ۳۶.۵ درصد جمعیت بالای ۱۲ سال این نوبت را دریافت کردند. مدیر پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های مرکز بهداشت گلستان همچنین میزان تزریق نوبت‌های اول و دوم واکسن کرونا در گروه سنی پنج تا ۱۱ سال را به ترتیب ۲۶.۷ و ۱۲ درصد و گروه سنی ۱۲ تا ۱۷ سال را هم ۹۴.۹ و ۷۹.۵ درصد اعلام کرد.

۵۷ هزار از گلستانی نوبت چهارم واکسن کرونا را تزریق کردند

مدیر پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های مرکز بهداشت گلستان گفت: تاکنون ۵۷ هزار و ۸۴۱ نفر معادل ۴.۳۴ درصد از جمعیت بالای ۱۸ سال استان نوبت چهارم واکسن کرونا را تزریق کردند. علی‌باقری از افراد بالای ۱۸ سال که ۶ ماه از تزریق نوبت سوم واکسن کرونا آنان گذشته دعوت کرد برای تزریق نوبت چهارم این واکسن به مراکز بهداشت گلستان مراجعه کنند. وی افزود: لازم است مردم برای تکمیل زنجیره تزریق واکسن کرونا با هدف جلوگیری از احتمال شروع پیک دوباره آن با توجه به قرار گرفتن در فصل پاییز و کاهش دمای هوا به نسبت فصل تابستان، علاوه بر رعایت استفاده از

زیر ساخت مهم‌ترین چالش در توسعه صنعتی

۱۳۹۳ قرار بود آنچه برون به عنوان هاب فرآوری فرآورده های معدنی پیش بینی شود و در آن زمان ایمیدرو مکلف شده بود با همکاری یک شرکت قزاقستانی این مهم را عملیاتی کند که متأسفانه این مهم هنوز محقق نشده است. وی بازار چه مرزی و توسعه و رونق تجارت چمدانی در گلستان را بسیار مهم خواند و یادآور شد: درصدد هستیم محور اینچه‌برون را برای از سرگیری تجارت چمدانی فعال‌تر کنیم و این منطقه به عنوان هاب کشورهای اوراسیا انتخاب شود. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان، استان گلستان را از لحاظ زیرساخت های حمل و نقل بسیار ضعیف دانست و گفت: استان گلستان در مقایسه با استان هایی که در ترانزیت کشور نقش اساسی دارند، مشکلات زیرساختی جدی دارد و یکی از این مشکلات وسایل حمل و نقل است که رونق این مهم می تواند به منطقه اینچه برون توسعه جدی ببخشد. دهنوی خاطر نشان کرد: از وزیر صمت انتظار داریم حداقل برای ۱۰ هزار کامیون اخذ مجوز و پلاک گذاری شود تا بتوانند از اینچه برون به مقصد بندرعباس و بندرچابهار و همچنین برای ارسال کالا به کشور ترکیه فعالیت کنند.



سرمایه‌گذاری خوبی انجام شود. دهنوی بیان کرد: براساس سند همکاری منعقد شده بین استان گلستان و قزاقستان در سال

سال‌های اخیر دریافت شده در حوزه‌های مختلف در استان سرمایه‌گذاری کنند تا در زنجیره ارزش فرآورده های معدنی

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان گفت: مهم‌ترین چالش گلستان در توسعه صنعتی استان تأمین زیرساخت‌ها و توسعه مباحث فنی است. سید محمد دهنوی با تأکید بر ضرورت توسعه زیرساخت‌های شهرک‌های صنعتی استان گلستان اظهار کرد: در حال حاضر برای شهرک صنعتی اترک، زمین مورد نیاز تهیه شده اما به دلیل فقدان زیرساخت‌های لازم از جمله آب و برق برای استقرار واحدهای صنعتی، ما را با مشکلات جدی مواجه کرده است. وی با بیان اینکه در حال حاضر توسعه شهرک‌های صنعتی فعلی ما در شهرهای مختلف استان گلستان دچار خلل شده است، افزود: ما برای توسعه شهرک‌های صنعتی در برخی از شهرهای گلستان نیاز به تأمین زمین داریم و مهم‌ترین چالش ما در توسعه صنعتی استان، تأمین زیرساخت‌ها و توسعه مباحث فنی است. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان به وضعیت معادن استان گلستان اشاره کرد و توضیح داد: بخشی از معادن سال‌هاست در استان در حال بهره‌برداری هستند و بهره‌مالکان آن عاید شرکت های ایدرو و ایمیدرو می شود که از وزیر صمت انتظار داریم این دو شرکت را مکلف کنند تا بخشی از منابعی که طی

چراغ سبز برخی بانک‌ها به روستاییان



در شرایطی که هنوز اساسنامه صندوق ملی مسکن برای تأمین منابع ساخت و ساز روستایی به تأیید شورای نگهبان نرسیده، گزارش‌ها حاکی از آن است که در روزهای اخیر، بعضی بانک‌ها پرداخت وام ۲۰۰ میلیون تومانی ساخت مسکن روستایی را آغاز کرده‌اند. به گزارش ایسنا، پرداخت تسهیلات ۲۰۰ میلیون تومانی ساخت مسکن روستایی پس از حدود ۱۰ ماه از تصویب آن در شورای عالی مسکن، ظاهراً به صورت محدود، شکل اجرایی به خود گرفته است. این در حالی است که چند روز قبل اعلام شد، پرداخت یارانه وام مسکن روستایی از محل صندوق ملی مسکن خواهد بود که باید اساسنامه آن به تأیید شورای نگهبان برسد. در این خصوص سیدرضا حمیدی، مدیرکل دفتر مسکن روستایی بنیاد مسکن گفت: اساسنامه صندوق ملی مسکن باید به تأیید شورای نگهبان برسد تا بتوان از طریق این صندوق، یارانه سود وام مسکن روستایی را بر عهده گرفت. اما درصدد هستیم تا زمان تصویب صندوق، از محل حساب ملی مسکن که در اختیار وزیر راه و شهرسازی است، یارانه پرداخت شود.